

پیشینه‌ی
ضد- طبقه- کارگری
کلینتون‌ها

چرا واشنگتن از زحمتکشان می‌هراسد



جک بارتن

نشر طلایه پرسو

فهرست

- ۹ درباره نویسنده
- ۱۱ مقدمه
استیو کلارک
- ۳۱ ۱- 'ختم خیریه‌ی دولتی، آن گونه که ما می‌شناسیم'
(مارس ۲۰۰۱)
- ۸۳ ۲- ریشه‌های بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸
(مه ۲۰۰۸)
- ۹۹ ۳- چگونه کلینتون‌ها آمار و ارقام را دستکاری کردند
(مه ۲۰۰۸)
- ۱۱۷ فهرست اعلام و موضوعات
- عکس‌ها، نمودارها و مربع‌های خاکستری (صفحه بعد)

عکس‌ها، نمودارها و مربع‌های خاکستری

۴۲

خیریه‌ی دولتی - خساراتش بر زحمتکشان

۵۰

مسائل‌ها به کلینیک‌های سقط، ۲۰۱۵

۵۲-۵۱

تک‌پدری در مقابله با یورش به حقوق زنان

۵۵

«سازای رادیکال» و حقوق رأی

ایالات متحده: زندگی زده اول جهان ...

۵۹-۵۸

و بزرگسالان - ایدم کندی دوران

۶۴-۶۳

اخراج از کشور، "برسر خدمت" و پلیس مهاجرت

۷۱-۷۰

گسترش ناتو و تحریم موشکی

۷۴

تهاجمات ناتو - به رهبری ایالات متحده - علیه یوگسلاوی

۷۷-۷۶

یک پیروزی در مبارزه‌ی چهارم برای آزادی پنج کوبایی

۸۰

متمم چهارم قانون اساسی تحت حمله

۸۸-۸۷

بحران گندسوز سرمایه‌داری جهانی

۹۱

کمپین حزب کارگران سوسیالیست علیه امپریالیسم و جنگ

۹۴

'نجات' بانک‌ها و اسب‌های [افسانه‌ای] تک‌شاخ

۱۰۹

آیا افزایش قیمت‌ها خیلی کند است؟

۱۱۲-۱۱۱

طبقه کارگر در ایالات متحده دارد کوچکتر می‌شود

۱۱۴

آمار بیکاران را چطور محو می‌کنند

مقدمه

"رقت انگیز"، "اصلاح ناپذیر"، این کلمات تحقیرآمیز را هیلاری کلینتون^۱ درباره‌ی میلیون‌ها مردم زحمتکش در ایالات متحده بکار برد که دارندگی کوشند تا در سرایشی خردکننده‌ی سرمایه‌داری زندگی و بار کنند.

این کتاب درباره‌ی آن جمعیت میلیونی و درباره‌ی میلیون‌ها تن مثل ما در مراسم جهان است. درباره‌ی این است که چرا ما امروز در مرکز سیاست قرار گرفته‌ایم و طی ماه‌ها و سال‌های آینده بعد از آنکه دولت جدید ایالات متحده در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ مراسم تحلیف ریاست جمهوری را بجا آورد، مدت بیش از بیش در مرکز سیاست قرار خواهیم گرفت.

نگرش و رفتارهای عمیقاً درونی‌شده‌ی کلینتون که در یک لحظه‌ی نادر پیش‌نویس نشده، در میان حامیان ثروتمندش در یک همایش جمع‌آوری کمک مالی در مانهاتان انیورسیتی از دهانش بیرون پرید، واقعیتی را برملا کرده که پیش از این نیز میلیون‌ها تن از زحمتکشان خیلی خوب به آن واقف بوده‌اند. کارگران و خانواده‌های ما بیش از دو دهه با عواقب مصایبی زندگی کرده‌ایم که حاصل مستقر شدن کلینتون‌ها در کاخ سفید به مدت هشت سال، از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱، بوده است. در آن مدت، آن‌ها ظالمانه برای خاتمه دادن به "خیریه

^۱ Hillary Clinton

دولتی آن گونه که ما می‌شناسیم "اقدام کردند و آن را شناسه‌ی مشخص خود ساختند. و هنگامی که بر تصویب برخی لوایح پافشاری کردند و به تصویب رساندند؛ نظیر مصوبه‌ای که نام شنیع "مصوبه‌ی ضدتروریسم و مجازات اعدام مؤثر"^۱ را بر آن نهادند، مصوبه‌ای که ضربات وی را بر خانواده‌های طبقه-کارگری وارد کرده است، به‌خصوص خانواده‌های آفریقای آمریکا.

کتاب پیشینه‌ی ضد-کارگری کلینتون‌ها: چرا واشنگتن از زحمتکشان می‌هراسد، نوشته‌ی یک بارنز، دبیر سراسری حزب کارگران سوسیالیست، این وقایع و سایر پیشینه‌ی بیست و پنج سال مسیر حرکت سود-انگیزه‌ی کلینتون‌ها و همقطاران سیاسی‌شان را، که خادمان حاکمان سرمایه‌دار ایالات متحد هستند، یکجا عرضه می‌کند. بارنز صدمات انسانی را، که بر زحمتکشان در ایالات متحده وارد آمده، بازگو می‌کند؛ از جمله شقه شقه شدن آن "تور نجات اجتماعی"^۲، که گرچه ناکافی، اما دستاورد ده ساله مبارزات نبردهای سنگین طبقه‌ی کارگر ایالات متحده بوده است. او واقعیتی را توضیح می‌دهد که تعداد رو به رشدی از کارگران احساس می‌کنیم وارد بر ما می‌گذرد، به رغم اینکه ثروتمندان و اربابان قدرت با چه حد و حدتی آن را نفی کنند. ما در یک دوران گند-سوز انقباض اقتصادی در بحران مالی به سر می‌بریم - یک بحران عالمگیر که هیچ کدام از ما هرگز پیش از این ندیده‌ایم.

و این زحمتکشانند که در سراسر جهان بار سنگین این فجیعه‌ی اجتماعی رو به تعمیق را بر دوش می‌کشند.

^۱ Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act

^۲ "Social safety net"

همان‌طور که آن کلمات کلینتون نشان می‌دهند، برای نخستین بار بعد از ده‌ها سال، حاکمان ایالات متحده و دولت‌شان دارند از طبقه‌ی کارگر می‌ترسند. و این نه به‌خاطر آنکه حالا مبارزات توده‌ای کارگران شکل گرفته باشد؛ نظیر آنچه در دهه‌ی ۱۹۳۰ اتحادیه‌های کارگری صنعتی را به وجود آورد، یا نظیر نبردهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای حقوق سیاهان که پایه‌ی پرولتری داشتند و تبعیض نژادی و ترور جیم کراو^۱ را ثابت دادند. هنوز در ایالات متحده سیاسی شدن طبقه-کارگر در ابعادی گسترده به‌وجود نیامده است.

آن‌ها اما می‌ترسند، چون این را تشخیص می‌دهند که تعداد روزافزونی از رجم‌خشان دارند می‌بینند که کارفرمایان و احزاب سیاسی‌شان هیچ "راه حل" ندارند که هزینه‌های ناشی از بحران نظام آن‌ها را - هم پولی و هم انسانی - بیش از پیش بر ما تحمیل نکند. این واقعیت سرمایه‌داری را تعداد بیشتر از کارگران و کشاورزان پس از سقوط مالی و انقباض اقتصادی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ دارند بطور گسترده و با عصبانیت بحث می‌کنند. گرچه هیچ‌کس قادر نیست که زمانش را پیشگویی کند، اما، سرمایه‌داران مالی و حرفه‌ای، پردرآمدی که در خدمت‌شان هستند، دارند حس می‌کنند که آن مبارزه‌ی در حال آرایش - مبارزه‌ی طبقاتی - در پیش روست.

نه واشنگتن و نه وال استریت، هیچ‌کدام روشی ندارند که بتواند پیامدهای انفجارآمیز تضادهای بانکی و مالی سرمایه‌داری را مهار کند. متحدین سرمایه‌دار و رقبایشان هم همین‌طور، از لندن گرفته تا برلین تا توکیو.

^۱ Jim Crow

حتی یکی از آن کشورها هم سیاست‌هایی را دنبال نمی‌کند که بتواند روند سقوط تولید، تجارت و استخدام سرمایه‌داری را معکوس کند؛ سقوطی که حالا دارد زندگی و معیشت کارگران، کشاورزان زحمتکش و خانواده‌های ما را نابود می‌کند. هیچ کدامشان قادر نیستند روند کاهش جمعیت طبقه‌ی کارگر فعال را معکوس کنند؛ یا مانع افزایش سن^۱ باشند که جوانان زندگی مولد مستقل خودشان را شروع می‌کنند و با مانع کاهش تعداد خانواده‌هایی شوند که قادرند سقفی بالای سرشان را باز بماند. هر سفره‌شان داشته باشند.

چرا قادر نیستند؟ چون چنین سیاست‌هایی اصلاً وجود ندارد. آنچه در دنیای امروز دارد اتفاق می‌افتد، نتیجه‌ی "شکست" سیاست‌های کاخ سفید نیست؛ یا شکست سیاست‌های کنگره، یا «فدرال رزرو»^۱، یا دیوان عالی کشور که به نحو فلاکت‌باری سیاست زده شده و دچار خود-بزرگ‌بینی شده است. بلکه، آنچه در دنیای امروز دارد اتفاق می‌افتد نتیجه‌ی عملکرد خود سرمایه‌داری است. آنجاست که ما باید هدف تیرهای خودمان قرار دهیم، نه آن بلاگردن‌هایی که عوامفریبان ارتجاعی بزرگ‌نمایی می‌کنند، تا انرژی ما را به بیراهه بزنند.

فشار آوردن برای کاهش نرخ بهره تا حد صفر (یا زیر صفر) خرید حجم عظیمی از اوراق بهادار دولتی (و در آن راستا خرید سهام و اوراق قرضه‌ی^۲ شرکت‌های کلان). تنظیم "قواعد" جدید به منظور مهار کردن بانک‌ها و صنایع. افزایش چشمگیر بودجه‌ی کسری دارِ دولت و حتی صرف هزینه‌های هنگفت برای جنگ، نظیر اینکه از سال ۲۰۰۱ تاکنون،

^۱ Federal Reserve

^۲ Bonds

۵ تریلیون دلار برای عملیات نظامی ایالات متحده در عراق، افغانستان و جاهای دیگر خرج شده است. چنین سیاست‌هایی ممکن است بتوانند بحران بعدی را تا حدودی به تعویق بیندازند، یا موقتاً حایلی برایش ایجاد کنند، اما، نه قادرند جلوی بحران بعدی را بگیرند و نه خواهند گرفت. تا چه رسد به "راه انداختن سریع" رشد اقتصادی و استخدام.

دتها پیش از این، سرمایه‌داری به یک نظام جهانی تبدیل شده است. خانوارهای حاکم بر ایالات متحده و رقبایشان در اروپا و اقیانوس آرام دارند بی‌وقفه تلاش می‌کنند تا سود خودشان را در سراسر جهان به حداکثر برسانند. نتیجه‌اش چیزی جز کشت و کشتارهای روزافزون و آوارگی میلیون‌ها انسان نیست؛ از افغانستان تا عراق، از سوریه تا یمن؛ از سومالی تا سوآن، تا بحران‌های بزرگی از آفریقا و ورای آن. کره‌ی ارض به دریایی از پناهندگان تبدیل شده است؛ پناهندگانی که هم تعدادشان از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون بی‌سابقه بوده است؛ هم محرومیت‌هایی که با آن مواجه شده‌اند.

این دنیا، دنیایی است که فوق-استثما، امپریالیستی در آن نه تنها بی‌سواد، مرگ و میر نوزادان و مادران، زردار را، بلکه امراض واگیردار و وحشتناک و قابل پیشگیری را در ابعاد نابودکننده وجود می‌آورد و تداوم می‌بخشد. بحران ایولا^۱ در آفریقای غربی در سال ۲۰۱۴، شیوع وبا در هائیتی در سال ۲۰۱۰ و دوباره در ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، زیکا و ویروس زیکا^۲ در سراسر آمریکای لاتین و کارائیب، از جمله در جزیره‌ی پورتوریکو، مستعمره‌ی بدهی-برده‌ی^۳ ایالات متحده - این‌ها فقط

¹ Ebola

² Zika

³ Debt-enslaved

آن‌هایی هستند که به تازگی رخ داده‌اند. امپریالیسم، صدها میلیون انسان را بدون آب آشامیدنی، سیستم دفع فاضلاب، برق‌رسانی و بدون تغذیه به حال خودشان رها می‌کند؛ از گواتمالا تا بنگلادش، از نیجریه تا فلیپین.

در بحبوحه‌ی این کابوس رو به رشد داخلی و بین‌المللی، سیاستمداران در دو حزب سرمایه‌داری، همچنین رسانه‌هایشان، شب و روز در کارزار تا به کمپین افترا دامن بزنند و به ما تلقین کنند که جمع‌کثیری از زحمت‌کشان ایالات متحده "نژادپرست، طرفدار تبعیض جنسی، هوموفوبیک، بیگانه‌هراس، اسلام‌هراس، هر آنچه تصور کنید) هستند. درست همان‌طور که می‌باری کلینتون در صحبت‌هایش در یک مجلس جمع‌آوری کمک مالی در سپتامبر ۲۰۱۶ مطرح کرد. او گفت که آن‌ها نه تنها "رقت‌انگیز" هستند؛ بلکه مهم‌تر از همه اینکه "آن‌ها اصلاح ناپذیرند."

حال آنکه آنچه کمپین انتخاباتی ۲۰۱۶ اثبات داده - گرچه به نحو ناقص و مغشوشی، شبیه همه‌ی پدیده‌های انتخابات بورژوازی - چندان ربطی به کردار زننده‌ی دونالد ترامپ در تحقیر زنان، مهاجران، مسلمان‌ها و دیگران ندارد. به خاطر این‌ها نیست که من میلیون‌ها انسانی که هیلاری کلینتون آن‌ها را "اصلاح‌ناپذیر" برمی‌شمارد، به ترامپ رأی داده‌اند. حقیقت این است که تعداد به مراتب بیشتری اصلاً از رأی دادن صرف‌نظر کرده‌اند؛ خواه به کلینتون، یا ترامپ.

آنچه که انتخابات ثبت کرد چیز دیگری است: سیستم دو-حزبی بورژوازی، سال‌های سال، چیزی بجز انتظارات ناکام و خُرد شده تحویل

مردم زحمتکش نداده است. در سال ۲۰۱۶ میلیون‌ها نفر دارند به این امید رأی می‌دهند که شاید تغییری ایجاد شود. بسیاری دیگر هم منزجر شده و تصمیم گرفته‌اند که خودشان را از این یکی کنار بکشند؛ حداقل از رأی دادن به صدر جدولی‌های نامزدهای انتخاباتی.

خواه میلیاردها دلار پول‌های ترامپ باشد، یا صدها میلیون دلاری که خد کلینتون‌ها طی پانزده سال از زمان اشغال کاخ سفید تاکنون در میان کلینتون انباشته کرده‌اند؛ ثروت هر دو نامزد انتخاباتی احزاب بورژوازی متکی به روابط اجتماعی سرمایه‌داری است که ایشان با افتخار ترویجش می‌کنند و سودی که آن‌ها نصیب خود می‌کنند، بستگی دارد به اینکه کارگران به اندازه کمال برای آن‌ها رقابت کنند و تا چه حد دچار چند دستگی باشند. اخراج‌های موقت و دائمی، و بیکاری. قراردادهای چند مزدی برای کار یکسان و اینکه یک نفر وظایف چندین شغل را با هم انجام دهد. تبعیض نژادپرستانه. جایگاه رجه‌ی دوی زنان. ترس داریم از خشونت پلیس. جایگاه لعنت خونی‌های کارگران مهاجر و پناهندگان. جنگ‌های خونین و عملیات نظامی برای - هژمان - از منافع امپریالیستی ایالات متحده در خارج از کشور. بدون روابط خونی‌های گلو پاره‌کن مستتر در سرمایه‌داری، میلیاردها دلار سودهای اضافی که طبقه‌ی کارفرما، سال به سال، به جیب می‌زند، تبخیر می‌شد.

آن‌ها از قبل استثمار کار ما و دامن زدن به چند دستی‌ها در میان ماست که ثروتمند می‌شوند. این عملکرد قانونمند تولید و توزیع سرمایه‌داریست - و قدرت دولت‌اش که از آن استثمار و ستم دفاع می‌کند - که باعث فرسایش همبستگی طبقه-کارگری می‌شود.

این است آنچه که رقت‌انگیز است.